

زندگینامه محمدتقی دانش‌پژوه*

قدرت‌الله پیشنمازاده

خدمتگزار فرهنگ و ادب ایران محمدتقی دانش‌پژوه استاد فقید دانشگاه تهران متولد ۱۲۹۰ در شهر آمل، نخست به روش رایج آن روزگار نزد پدرش میرزا احمد درکایی دیلارستانی لاریجانی که صاحب اجازه مقام اجتهاد از علمای نجف بود با ختم قرآن کریم و مقدمات ادب فارسی و عربی و دیوان حافظ شیراز و نصاب فراهی و جامع المقدمات و هدایه و البهجة المرضیة سیوطی و حاشیة التهذیب مولی عبدالله یزدی والفوائد الضیائیة جامی و شرح رازی و منطق شریف علی گرگانی و نیز نزد استادان روزگار خودش در شهر آمل مرحوم آقایان آیت‌الله محمد غروی رینه‌ای و ابوالقاسم فرسیو و پسرعمش شیخ ابوالحسن واعظ (پدر بزرگوار حضرت آیت‌الله جوادی آملی) و پسر دایی‌اش میرزا ابوالحسن پیشنماز آملی و حضرت آقامیرزا عزیزالله طبرسی که از تحصیل کرده‌های نجف و شارح منظومه سبزواری بود، کسب دانش نمود.

* بیست و پنج جستار از محمدتقی دانش‌پژوه، از انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی،

در قم از محضر استادان میرزا ابوالفضل گلپایگانی و میرزا قوام لاریجانی و آخوند ملا علی همدانی و آیت‌الله میرزا هاشم آملی و آیت‌الله مرعشی نجفی بهره برده‌اند.

در تهران از میرزا طاهر تنکابنی و میرزا یدالله کجوری و میرزا مهدی آشتیانی و استاد عصّار و دروس میرزا ابوالحسن خان فروغی تلمذ نموده‌اند.

خود نوشته‌اند: من فلسفه را بیشتر در مدرسه سپهسالار قدیم که چند سالی در آنجا زیسته‌ام در محضر استاد بزرگوار مرحوم میرزا مهدی آشتیانی آموخته‌ام. شفا و اسفار را نزد او دیده‌ام. مکاتب را هم تدریس می‌کرده است و با روش فلسفی می‌آموخته است. چهار سالی از محضر مبارک او بهره برده‌ام و از محبت‌ها و مهربانی‌های او سپاسگزارم و به روان پاک او درود می‌فرستم.*

استاد دانش‌پژوه با این اندوخته‌ها به محضر استاد سید محمد مشکوة راه یافت و تخصص کتابشناسی و نسخه‌شناسی استاد مشکوة را سرمشق گرفت و انگیزه فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی دانشگاه آغاز شد. در خرداد ۱۳۱۹ در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران خدمتش را شروع کرد و در سال ۱۳۲۰ دانشگاه تهران گواهی تحصیلی لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی (معقول و منقول) را به ایشان دادند و با عنوان دبیر دبیرستانهای تهران و سپس دانشگاه تهران ارتقاء یافت که تا سال ۱۳۲۵ به پایه ۱۰ دبیری رسید. ایشان سمت معاونت کتابخانه دانشکده حقوق و در سال ۱۳۳۳ ریاست کتابخانه کتب خطی و در ۱۳۳۴ ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و ۱۳۴۳ مشاور فنی آن کتابخانه

* . مجله راهنمای کتاب، ج ۱۸ (۱۳۵۴).

و عضو کمیته کتابخانه بود درحالی که مسئولیت معاونت کتابخانه حقوق را هم به عهده داشت.

استاد دانش‌پژوه در ۱۳۴۸ به مقام دانشیاری دانشکده الهیات و ۱۳۴۹ دانشیار تمام‌وقت دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود و دروس درایة‌الحديث و فرهنگ ایرانیان را در دانشکده الهیات و معارف اسلامی و منطق و تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق را در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس و عرفان اسلامی را در دوره دکتری تدریس کردند و نیز در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس ملل و نحل شهرستانی اشتغال داشت.

شیفتگی و لذت یادگیری دانش‌پژوه

یاد کردن از لذت یادگیری و برداشتهای موضوعی نکته‌های مهم درس و شیفتگی او به آراء و نظرات دانشمندان از ویژگی‌های دانش‌پژوه است. خود نوشته‌اند: «هنوز لذت نوادر ادبی که از آیت‌الله مرعشی شنیده‌ام در کام ذهنم هست» و در مطالعه حاشیه البهجة المرضیه میرزا ابوطالب فندرسکی که با استدلال و دشواری همراه است با لذتی می‌نگریسته‌ام. آورده‌اند که: «درس مقامات حریری آیت‌الله مرعشی را درک کرده‌ام. من شیفته ذهن متبّع و احاطه ایشان بوده‌ام.» و نیز از آیت‌الله شاه‌آبادی یاد می‌کنند که در قم عرفان شیعی را بسیار گیرا و شگفت‌انگیز تدریس می‌کرده‌اند. و اشاره می‌نماید که: بسیار از خواندن کتاب منطق لذت می‌بردم از آغاز تحصیل شیفته منطق شده بودم. گویا برای اینکه پدرم همواره به من می‌گفته است بگو «نحن ابناءالدلیل» و دلیل هم جز با منطق به دست نمی‌آید.

دانش‌پژوه نوشته‌اند که در تابستان گرم ۱۳۲۰ در تهران در خانه دوستی بوده‌ام و به نگرستن قبسات میرداماد و تاریخ مسائل و نحل فلسفی پل ژانه و سآی می‌پرداختم. لذتی که از تعمق در دو فلسفه خاور و باختر می‌برده‌ام هرگونه گرفتاری مادی که داشتم بر من آسان و هموار می‌ساخته است.

از دیگر خصوصیات استاد دانش‌پژوه مقابله و سنجش موضوعی و برجسته کردن نکات مهم مطالب در یادگیری و نوشتن و تصحیح است. در دروس مکاسب و رسائل شیخ مرتضی انصاری دزفولی که نزد مرحوم ابوالقاسم فرسیوی ایرایی و مرحوم آقامحمد غروی رینه‌ای از مجتهدان بزرگوار شهر آمل آن روزگار بهره می‌برد نوشته‌اند روزی استاد غروی در درس رسائل در یکی از مباحث آن فرموده‌اند: شگفتا تاکنون نمی‌دانستم که شیخ از «ترتب» هم بحث کرده است. در روش تدریس مرحوم میرزا مهدی آشتیانی در دروس شفا و اسفار آورده که با روش فلسفی می‌آموخته است. در دروس مرحوم عصّار از وحدت صرف وجود و تکثر موجودات پرسیده بودم، استاد یکی دو روزی داد سخن داد ولی پیش‌امدی باعث شد که آنجا را ترک گفت و مطلب به پایان نرسید.

مقابله و سنجش دانش‌پژوه از آغاز یادگیری با او همراه بوده است. آورده‌اند: «کتابهای درسی دبیرستانی مانند ریاضیات وحید و کتاب هندسه به دستم افتاد که تا اندازه‌ای توانستم با نگاه به اینها میان ریاضیات کهنه و نو را بسنجم، زبان فرانسه را در آمل نزد پسرخاله خود آقای میر سید یحیی خان حکیمی لاریجانی آغاز کرده بود و در قم نزد ابوالمکارم کرمانشاهی و در مدرسه مروی، آقای جواد کمالیان از دانشمندان آن روزگار زبان فرانسه را تحصیل نمودند و در یادگیری زبان آنطور که خود نوشته‌اند «راه سنجش متن را با

ترجمه در پیش گرفتم» و گفتار منطقی دکارت را از دو ترجمه متن فارسی یکی از آن که در زمان ناصرالدین شاه صورت گرفته بود و دیگری ترجمه فروغی را مقابله کردند و مقاله‌ای در این زمینه نوشتند. چون به ترجمه قرآن از ساواری و کازیمیرسکی برخوردند به روش مقابله خواندند. یک مجلد از دایرةالمعارف فرانسوی درباره فکر را به تدریج ترجمه کردند و ترجمه‌های عربی و فرانسه سیاست ارسطو را به فارسی درآورده بود. ایشان به زبان انگلیسی نیز آشنا بودند. نوشته‌اند در سال ۱۳۱۶ باز راهی تهران شدم و دو سالی در دبیرستان

مدرسه مروی می‌رفتم. راست بگویم مرا نیازی به درسهای آنجا نبود.

آشنایی و دوستی با ایرج افشار، دکتر منوچهر ستوده، دکتر زریاب خوبی نقطه عطفی در این مقطع در تاریخ تطور و تحول کتابخانه‌ای ایران است.

دکتر منوچهر ستوده آشنایی خودش را با دانش‌پژوه در سالهای ۱۳۱۲-۱۳ در دارالفنون به خاطر می‌آورد. می‌نویسد: مدرسه صدر دست راست پله‌های ورودی مسجد شاه بود. مدرسه کوچکی بود و ده پانزده حجره داشت. حجره آقا محمدتقی در ضلع شمالی مدرسه بود.

آقا محمدتقی کوشا و پرجوش و خروش در این حجره هم به کسب علوم عقلی و نقلی مشغول بود و هم دروس مدارس جدید را می‌خواند تا بتواند امتحان متوسطه را بدهد و دیپلم بگیرد. آقا محمدتقی مدتها هم مباحثه بنده بود.

در سال ۱۳۲۶ او را به اتفاق ایرج افشار در مخزن کتابخانه دانشکده حقوق دیدیم که از در کتابخانه که وارد می‌شدیم پشت به قبله اول میز دانش‌پژوه بود و در امتداد آن چسبیده به دیوار مقابل میز آقای ایرج افشار.

هسته کتابخانه مرکزی را که کتب اهدایی سید محمد مشکوة بود بنده در یکی از اتاقهای دفتر دانشسرای عالی تحویل گرفتم و به زیرزمین دانشکده حقوق منتقل کردم و فیلمهایی را که مرحوم مجتبی مینوی از ترکیه آورده بودند از منزل برادرش در خیابان حشمت‌الدوله تحویل گرفتم و به محل کتابخانه بردم و پس از قفسه‌بندی کردن زیرزمین کتابخانه را به راه انداختم و کتابخانه را در اختیار دانش‌پژوه قرار دادم.^۱

استاد ایرج افشار نوشته‌اند: با اهداء مجموعه ارزشمند نسخه‌های خطی سید محمد مشکوة شالوده تأسیس و نام‌گذاری کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران گذاشته شد. فهرست‌نویسی و پس از چندی ریاست این کتابخانه تازه‌بنیاد به دانش‌پژوه واگذار شد و او تا سال ۱۳۴۱ به این خدمت ادامه داد. چون در سال ۱۳۴۸ به دانشیاری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران برگزیده شد از معاونت کتابخانه دانشکده حقوق کناره گرفت و یکسره به آموزش و پژوهش پرداخت.

شوق دانش در یافتن نوادر علمی و بازگفتن آنها عشقی است جاودانه و پایان‌ناپذیر که ذهن و جان او بدان عجین شده نه زمان می‌شناسد نه مکان. نه خاورشناس خارجی و نه ایران‌شناس خودی. او به هرکجا سفر کرد این ولع و عشق بیکرانه و پایدار را با خود همراه داشت. ناچارم از میان خاطره‌های بسیار زیادی که دارم چهار حکایت را اگرچه ممکن است برای بعضی خواننده و تکراری باشد بازگو کنم. تا مگر اشارتم رساتر شود.

۱. منوچهر ستوده، مجله کلک، ش ۸۳-۸۰ (۱۳۷۵)

حکایت اول این است که دکتر زریاب و دانش و مرحوم دکتر حسین محبوبی اردکانی از سوی اداره انتشارات دانشگاه برای مشارکت در سمینار نسخه‌های خطی که در کابل برگزار می شد به آنجا رفتند. زریاب گفت چون در فرودگاه کابل در تاکسی نشستیم و سر صحبت‌مان با راننده باز شد دانش بی تابانه از راننده تاکسی که مردی ساده بود پرسید بازار نسخه خطی فروشان کجای شهر است. طبعاً راننده «هاج و واج» ماند و به مطلب دیگری پرداخت!

حکایت دوم روایتی است که از یکی از مهمانداران دانش در باکو شنیده شده است که گفته بود سالی که فرهنگستان علوم آذربایجان ایشان را دعوت کرده بود پیشاپیش برنامه‌ای را تنظیم کرده بودند که در آن دیدار از مؤسسات مناسب حال ایشان و ضمناً چند جای گردش و نمایی هم گنجانیده شده بود. اما دانش با دیدن آن برنامه گفته بود من خواستار سه چیز بیش نیستم: کتابخانه، مسجد و گورستان. به یک کلام به سراغ کتاب آمده‌ام و کتابه (کتیبه).

اتفاق سوم آن که خودم شاهد بودم در لندن روی داد. مرحوم مینوی بود و دانش و احمد اقتداری و من. به کتابفروشی رفته بودیم. دانش کتابی را آنجا یافت که سالها مشتاق به دست آوردنش بود. چون کتاب را یافت و کتابفروش در بهای آن هشت پوند خواستار شد او یک اسکناس بیست پوندی داد و بی تابانه به باز کردن کتاب و خواندنش پرداخت. کتابفروش به جای دوازده پوند هشت پوند بازپس داد. مینوی که روبرو و ناظر قضیه بود از بی توجهی دانش برآشفته و گفت آقای دانش پژوه چرا مواظب نیستید. این آقا باید دوازده پوند به شما بدهد. اقتداری به شوخی گفت آقای مینوی ناراحت مباشید. علت این است که اسکناسها چاپی است نه خطی.

چهارمین حکایتی که عرض می‌کنم مربوط است به سفری که با مرحوم اللهیار صالح و دانش به کاشان می‌رفتیم تا نسخه‌های خطی چند کتابخانه آنجا را ببینیم. پسینی بود که از تهران راه افتادیم و چون دیرشب شد برای آرمیدن به سوی باغ برادر صالح در آران که فرسنگی بیش، از شهر کاشان دور دست نیست رهسپار شدیم. راه میان کاشان و آران که کویری است در آن سالها اسفalte نبود و همیشه رگه‌هایی از ریگ روان آن را می‌پوشید. در تیرگی شب اتومبیل به‌سختی در ریگ فرو رفت و از حرکت باز ماند. ناچار پیاده شدیم من از گوشه و کنار مقداری شاخهٔ بوتهٔ گز و قیچ‌کندم که زیر چرخها بخوابانم تا مگر اتومبیل حرکت کند. دانش که بالای سر من ایستاده بود با نگرانی و التهاب به مرحوم صالح گفت آقای صالح اگر ماشین راه نیفتد فردا چگونه به دیدن و فهرست‌نویسی نسخه‌ها برویم. مرحوم صالح گفت آقای دانش پژوه اکنون به فکر آن باشید که اگر ماشین راه نیفتاد در این صحرا چه باید کرد.^۲

اکنون گسترهٔ کارش در فهرست‌های جهان به روشنی پیداست. در آثار فؤاد سزگین و در دوره‌های چهار جلدی مؤسسهٔ الفرقان که بررسی نسخه‌های خطی اسلامی را در بر می‌گیرد و تا آنجا که رشدی راشد استاد نام‌آور تاریخ ریاضیات اسلامی در مقاله‌ای که دربارهٔ ریاضی ملاّ باقر یزدی نوشتند با افتخار به نام دانش‌پژوه اهداء نمودند و نیز انجمن آسیایی فرانسه او را عضو افتخاری خود می‌داند.

افشار می‌نویسد: اگر پرسیده شود که دانش‌پژوه در زمینهٔ کتابداری چه کرد باید گفته شود که کوشش اساسی و جهانی او فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی است که اهم آنها فهرست‌های کتابخانهٔ مرکزی دانشکده‌های حقوق، ادبیات،

۲. افشار، ایرج، مجلهٔ کلک، ش ۵۲ (۱۳۷۳).

دانشگاه تهران و مجلس شورای اسلامی و مدرسه سپهسالار و کتابخانه ملی ملک، آستانه قم و لس‌آنجلس و کتابخانه مینوی است و همچنین بعضی از کتابخانه‌های شهرستان‌ها. خزاین خطی این کتابخانه‌ها از بینش و دانش ایشان بهره بسیار یافته است و جملگی استفاده‌کنندگان از آنها مرهون علایق او خواهند بود.^۳

ایشان با نگارش و نشر مقالاتی در موضوع و مباحث فلسفی و منطقی و کلامی در مجله‌های جلوه دانش، مهر و ترجمه دو متن النکت‌الاعتقادیه شیخ مفید و مصادقة‌الخوان شیخ صدوق با ورود به گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه اهدایی سید محمد مشکوة با شوقی تمام به مطالعه آنها پرداخت و به تدریج با رشته‌های متنوع دیگر آشنایی گرفت و دائرةالمعارف‌گونه به هر رشته و متونی پرداخت و در این راه نسخه‌های خطی لندن و برلن و پاریس و وین تا قاهره را یادداشت‌برداری کرد.

دانش‌پژوه به پژوهشهای کتابشناسانه در فقه فارسی، موسیقی، فلسفه و منطق و اخلاق و سیاست کتابشناسی فرق و ادیان، دائرةالمعارف‌ها، اقسام علوم، ترسّلات و منشآت، هنر نقاشی و کتاب‌پردازی پرداخت و به افغانستان، مسکو، پترزبورگ، دوشنبه، تاشکند، باکو، آلمان، هلند، امریکا، فرانسه و چین رفت و ارمغانهای ارزشمند هریک آن کشورها را آورد و در نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی که خود از بنیادگذاران آن بود منتشر ساخت.

شادروان استاد ایرج افشار آورده‌اند که «اغراق نیست اگر گفته شود که دانش‌پژوه رقمی نزدیک به صدهزار نسخه خطی را یک به یک دیده و بررسی

۳. افشار، ایرج، نامه فرهنگستان، س ۲ ش ۳ (۱۳۷۵).

کرده و آنها را که شایسته معرفی دانسته در مقاله‌ها و فهرست‌ها و مقدمه‌های خود بی‌تابانه شناسانده است.^۴

عضویت و همکاری ایشان در انجمن دوستداران کتاب، کمیته ملی کتابشناسی، انجمن فلسفه و علوم انسانی، کنگره تحقیقات ایرانی، مجله راهنمای کتاب، انجمن تاریخ طب و علوم و مجامع علمی دیگر همزمان با خدمات اداری و تعلیماتی در اکثر مجامع علمی و کنگره‌های ایران‌شناسی و جلساتی که مربوط به فرهنگ و ادب و تاریخ ایران بود با مقاله و گفتار و سخنرانی و تصحیح و معرفی متون همراه بوده است.

در فقه ترجمه کهن فارسی نه‌ایه شیخ طوسی، مختصرالنافع محقق حلی، معتقدالامامیه و شرایع الاسلام را با مقدمه و معرفی تصحیح و در دسترس گذارد. در کلام و اخبار شرح فارسی شهاب‌الانخبار، ترجمه ملل و نحل محمد بن زکریای رازی و رساله امامت و فصول خواجه طوسی و رسالاتی از او در کلام و الکشف عن مناهج اصناف خوارج صاحب بن عباد و مجداول عترت نبی نظام‌الدین شامی و رساله توحید یعقوب بن موسی متطبب و اثبات واجب خفری و فصول رشیدالدین میبدی را منتشر کرد.

در تاریخ ادیان و مذاهب دو رساله هفتاد و دو گروه و یک رساله درباره هفتاد و سه گروه عبدالواحد کرمانی و رساله بین‌المذاهب والفرق و بیان‌الادیان و معارج نهج‌البلاغه و فرمان مالک اشتر و متن‌های مرتبط با معارف اسلامی که به کوشش او نشر یافت.

۴. منبع پیشین.

در رجال و مشایخ هم مشایخ‌الشیعه اردکانی، دو مشیخه زیدی، تاریخ مشاهیر امامیه از رضی قزوینی و دو رساله گمنام و بی‌نام.

استاد ایرج افشار او را در فلسفه و منطق نسبت به دانشهای دیگر دلبسته‌تر می‌داند و می‌نویسد: اشراف و احاطه او با مقدمه و تصحیح نزهة الآرواح شهرزوری و تصحیح متن عربی النجاة ابن سینا و منطقیات فارابی و التحصیل بهمنیار و حیات‌النفوس ریزی و منطق ابن مقفع و ابن بهریز و الاقطاب‌القطیبه عبدالقاهر اهری و جامع‌الحکمة بابا افضل مرقی و تبصرة سهلان ساوی و رساله‌های رشید و طواط و غیلانی و اثیرالدین ابهری و رساله فی‌التعقیب الموضع الجدلی ابن سینا که گرایش‌ی سخت به تصحیح و نشر متون ناب فارسی و نسخه‌های تازه‌یاب پیدا کرد و در این کوشش با ارزش متون متعدد و مفصل (کتاب) را به چاپ رسانید که اغلب آنها ناشناخته بود و اول‌بار به چاپ می‌رسید و همچنین نزدیک به یکصد رساله کوتاه تصحیح و چاپ کرد که هریک از آنها در جهان و تحقیقات ایرانی و اسلامی از تازگی و بدعت نام و نشان دارد. با نگاهی اجمالی به متن‌هایی که او چاپ کرده روشن‌تر می‌توانم نشان بدهم که به چند رشته از علم کمک کرده است و به کدام دسته پیوستگی داشته است.

در شش رساله کوتاه خواجه طوسی که در سال ۱۳۳۵ برای کنگره خواجه نصیرالدین طوسی و گرایش ژرف و راستین به تصحیح و نشر کتابهای چند دانشی (دائرة المعارف‌گونه) او را به تصحیح بحرالفوائد، یواقیت‌العلوم، نوادر التبادر، مجمل‌الحکمة و الرسالة‌السنجریه ابن سهلان ساوی و شرف‌الدین مسعودی که از متون نخستین فارسی در طبیعیات سماوی است و از زکریای رازی سرالاسرار و شرح مشکلات اقلیدس نگاشته فارابی و در پزشکی

مفتاح الطب ابن هندو و دو متن از ده متن ذخیره خوارزمشاهی به فارسی و رساله ناشناخته الرسالة الشرفیه ابوعلی سلماسی و اصناف العلوم ابوسهل عیسی مسیحی با مقدمه‌های پرمایه که بر این کتابها می‌نوشت حاصل کوششهای اوست. اخلاق محتشمی خواجه طوسی و ترجمه فارسی جاودان خرد و حقایق السیر ابوعلی سلماسی و مکارم الاخلاق رضی نیشابوری، تحفة الملوک غزالی و در عرفان و تصوّف از روزبهان‌نامه و آثار درویش طبسی و کسرالاصنام الجاهلیة صدرای شیرازی به کوشش و اهتمام به چاپ رسانده است.

از منابع تاریخ ایران جامع التواریخ و زبدة التواریخ را با مقدمه و شرح در دسترس اهل تحقیق قرار داده است. باری وزارت در عهد سلاجقه مرحوم عباس اقبال و تصحیح سوانح الافکار رشیدی و تاریخ الوزرای قمی و نهاییه الارب فی اخبار الفرس والعرب و رسالات تاریخی و وقف‌نامه‌ها و اسناد و مدارک را در کارهای خود آورده، و با یک دقتی در مقدمه‌های آن در برجسته کردن نکات مهم تاریخی آنها به بحث می‌نشیند.

استاد کتابخانه شخصی خودش را که تعدادی از کتابهای آن از یک موضوع در چند زبان گرد آورده بودند به همراه کتب چاپ سنگی و سربی و خطی و میکروفیلرها و مدارک و اسناد در وصیت‌نامه‌ای که در حضور استاد ایرج افشار و دکتر محمد دانش‌پژوه و حقیر در سال ۱۳۷۳ تنظیم گردید به کتابخانه استاد مجتبی مینوی اهداء کردند. دکتر محمد دانش‌پژوه نویسنده و استاد پژوهشگر در علوم پزشکی که برای خواسته‌های پدر از هیچ محبت و مساعدتی دریغ نداشتند به اتفاق برادران مهندس احمد و دکتر مهدی و خواهر دکتر فاطمه دانش‌پژوه در

اجرای وصیت استاد اهتمام کامل معمول فرمودند و حقیر به انتقال کتابخانه اقدام نمودم. استاد محمدتقی دانش‌پژوه در ۲۷ آذرماه ۱۳۷۵ چشم از جهان فرو بست. سزاوار است از مرحومه هاجر دانش‌پژوه همسر حضرت استاد که عمری را با تعبّد و علاقه‌مندی با ایشان همراه بوده و استاد پیشرفت کارش را مرهون مهر و ازخودگذشتگی او می‌دانست به نیکی یاد گردد و خیر آن، مورد عنایت پروردگار خواهد بود.

از استاد پنجاه کتاب و بالغ بر چهارصد مقاله و گفتار به یادگار مانده است. ایشان در مقدمه‌های عالمانه‌اش بسیاری از اندیشمندان ایرانی و سرزمینهای اسلامی را که در فراموشی و یادی از آنها در نوشته‌ها و ادبیات ما نبود، زنده نمودند.

از آثارش کتاب النهایه ازطرف انجمن کتاب در سال ۱۳۴۲ و مقاله منطق فطری و نظری در بزرگداشت ناصرخسرو قبادیانی در سال ۱۳۵۲ و کتاب نهاییه الارب فی اخبار الفرس والعرب در سال ۱۳۷۴ از طرف انجمن آثار ملی و کتاب مفتاح الطب و منهاج الطلاب تقدیر و برگزیده و به عنوان کتاب برتر تجلیل گردید. دکتر منوچهر ستوده، دکتر مصطفی مقربی، دکتر عباس زریاب خویی و استاد ایرج افشار بیست و هفتمین جلد فرهنگ ایران‌زمین را که ایشان از بنیادگذاران آن بودند به مناسبت هفتاد و پنجمین بهار زندگانی پربهره استاد در بهار ۱۳۶۶ به یادگار نشر دادند و نیز فرهنگستان ادب فارسی ایران در سال ۱۳۷۳ برای عضو پیوسته خود بزرگداشتی برگزار نمودند که استاد در آن سخنرانی فرمودند و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی (سال ۱۳۸۱) برای گرامیداشت استاد سمیناری برگزار کردند که دو

دفتر با عنوان حدیث عشق ۲ و ۳ به معرفی آثار و سرگذشت و گزیده مقالات و بررسیها در زمینه نسخه‌پردازی و فنون ورّاقی و نامه‌های ایشان اختصاص یافت.

سعادت یار بود و حقیر سالها منت خدمتگزاری حضرت استاد را یافت و در تمام این سالها در استنساخ و نمونه‌خوانی و کتاب‌آوری و نگهداری کتابخانه، ایشان را همراه بودم و اوقات و ساعات بسیاری، از رهنمودها و بیانات ایشان بهره‌ها بردم.

ایشان همواره حقیر را تشویق بر آن می‌داشت که در تنظیم و جمع‌آوری آثارش اهتمام نمایم و کوتاهی نکردم و از میان نوشته‌ها و بیانات ایشان مقاله‌ای با عنوان آموزش نسخه‌شناسی تنظیم و برای بزرگداشت حامیان نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی ارسال داشتم که در مجله پیام بهارستان، ش ۱۷ (سال ۱۳۸۱) نشر یافت.

در سالهای پایانی دهه ۱۳۶۰ و دهه ۱۳۷۰ راهنمای فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک که زیر نظر ایشان و استاد ایرج افشار بود در چهار مجلد استخراج و تنظیم و تدوین کردم که مجلدات دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک را به خود اختصاص داد و در دسترس قرار گرفت.

مقدمه‌ها و یادداشتها و رسالات در زمینه منطق و اخلاق و موسیقی را جمع‌آوری و تدوین و تنظیم نمودم که مجموعه موسیقی آن تحت عنوان آثار خطی در موسیقی در سال ۱۳۹۰ در مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسید.

پس از درگذشت ایشان استاد ایرج افشار در تصحیح و آماده‌سازی دستور الجمهور و تحفة المحبّین اهتمام نمودند که در میراث مکتوب به زیور طبع آراسته گردید.

نخستین بار استاد ایرج افشار زندگی‌نامه و آثار دانش‌پژوه را در سال ۱۳۵۴ در راهنمای کتاب س ۱۸ ش ۹-۸ ص ۶۸۸-۶۵۹ به چاپ رسانید و ادامه آن از سال ۱۳۵۴ تا زمان درگذشت استاد توسط آقای عنایت‌الله مجیدی و حقیر تهیه که در پیوست بیان‌الادیان در بنیاد موقوفات دکتر افشار به چاپ رسید و مجموعه‌ای از آن و گزیده‌ای از مقالات نسخه‌پردازی و فنون وراقی به مناسبت یادبود استاد در آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی سال ۱۳۸۱ توسط کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در دفتر اول از کتاب دوم حدیث عشق به چاپ رسید.

مرحوم حضرت استاد ایرج افشار همواره بر این بود که از همکار و هم‌قلم پنجاه‌ساله‌اش که عمری را با زحمات راستین سپری کرد به جامعه ادب فارسی ایران به یاد آورد. از این خاطر نیک‌بختی بار دیگر همراه شد که بسیاری اوقات در منزل زنده‌یاد استاد ایرج افشار حضور می‌یافتم و در تدوین و آماده‌سازی این اثر رهنمود و دستور می‌گرفتم. باری استاد ایرج افشار یاد صدمین سال تولد دانش‌پژوه را در خاطر داشت و نسبت به آماده‌سازی و چاپ آن بی‌تابی می‌کرد و در تدارک فراخوان آن بود که در هجدهم اسفندماه ۱۳۸۹ دنیای فانی را بدرود گفت. افشار و دانش‌پژوه کوه اندیشه‌مردان ایران بودند که در هر فصل حیاتشان بر سلسله فرهنگ و ادب فارسی گُل اندیشه می‌روید.

گزینش رسالات و گفتارها و ترتیب و فصل‌بندی و عنوان بیست و پنج جستار با سلیقه حضرت استاد ایرج افشار «که روحش غریق رحمت باد» شکل گرفت.

با سپاس فراوان از پروردگار دو جهان بر خود فرض می‌دانم که از دانشمند عالیقدر حضرت آیت‌الله دکتر سید مصطفی محقق داماد که در فقدان استاد ایرج افشار همچنان چراغ بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار را روشن نگاه داشته‌اند قدردانی و سپاسگزاری کنم و از درگاهش سلامتی و طول عمر توأم با عزّت و سعادت برای حضرت ایشان مسألت نمایم و قدردان زحمات و تلاشهای دوست فاضل صاحب ذوقم کریم اصفهانیان که افشار و دانش‌پژوه او را چون گنجوری دربست و گشای امور چاپ و نشر به یاری می‌خواندند.

تهران ۱۳۹۱